

تقدیم به روح پاک استاد دکتر عزت‌الله نگهبان

پیشگفتار

آنچه عصر مس‌سنگی (chalcolithic) نامیده می‌شود یکی از درخشان‌ترین دورانهای پیش از تاریخ ایران به شمار می‌آید. در این دوران (حدود ۴۵۰۰-۳۰۰۰ ق.م)، جوامع روستایی اولیه، که در دوران ماقبل نوسنگی شکل گرفته بودند، به اوج شکوفایی خود می‌رسند. از این نظر، این دوران حاکی از گسست تدریجی از الگوهای دوران نوسنگی (neolithic) است که برآیند آن ظهور عصر مس‌سنگی در گسترده به هم تنیده فلات ایران است، به طوری که در این دوران، پیشرفت و شکوفایی در تمام عرصه‌های زندگی رخ داده است. در ادبیات باستان‌شناسی ایران، به طور عمده، ظهور و بروز این دوران با الگوهای بین‌النهرین، که به لحاظ چشم‌اندازهای محیطی با ایران متفاوت است، مورد ارزیابی قرار گرفته است. از این نظر، عناصر بنیادین و درونی این تحول در پرده‌ای از ابهام باقی مانده و شناخته نشده است. با توجه به موارد اشاره‌شده، هدف نهایی این تألیف ابهام‌زدایی از این دوران پیش از تاریخ با استناد به یافته‌های بی‌غرض باستان‌شناختی در بستر عظمت طبیعی فلات ایران است. از این نظر، کتاب پیش رو نخستین تلاش در این زمینه است و به طور منطقی بدون ایراد نیست، لذا، نگارنده آرزومند است کتاب حاضر نه سخن آخر بلکه سرآغاز پیدایش تحقیقات جدید درباره عصر مس‌سنگی ایران باشد.

این کتاب در چهار فصل به هم پیوسته نگارش شده است. در فصل اول، فرایند گذار از فرهنگهای نوسنگی به مس‌سنگی بررسی شده است، به نظرات و رهیافتهای مطالعاتی‌ای که در این زمینه وجود دارد اشاره گردیده و انطباق یا عدم انطباق آنها، با توجه به مجموعه داده‌های باستان‌شناسی این دوران در پیکره به هم

تنیده فلات ایران، ارزیابی شده است. با توجه به اینکه به مسائل و موضوعات دوران مس سنگی و استفاده از این اصطلاح در دوره‌بندی فرهنگهای پیش از تاریخ ایران کمتر توجه شده است، در فصل دوم به پیشینه استفاده از این اصطلاح در منطقه بزرگ‌تر آسیای غربی و فلات ایران پرداخته‌ایم. این موضوع از این نظر اهمیت دارد که دانشجویان رشته باستان‌شناسی در دانشگاههای ایران که این کتاب به طور عمده برای استفاده آنها در دروس مربوط به پیش از تاریخ ایران نگاشته شده است، در ابتدا و بی‌مقدمه وارد بحثهای تخصصی و نیمه‌تخصصی این دوران نشوند. در فصل سوم، به ظهور عصر مس سنگی در مناطق مختلف جغرافیایی فلات ایران پرداخته‌ایم تا از این طریق حجم داده‌های باستان‌شناسی در مناطق مختلف مورد ارزیابی قرار گیرد.

بدون تردید مشخص نمودن شاخصهای بنیادین و اصلی دوره‌های فرهنگی پیش از تاریخ از اهمیت فراوانی برخوردار است. به نظر مؤلف، تعبیر، تفسیر و تحلیل این شاخصها براساس معیارها و مقیاسهای باستان‌شناختی، پویایی لازم را در چهارچوب مطالعاتی موضوع ایجاد و از پراکنده‌گویی و احیاناً غرض‌ورزیها و استدلالهای ناهمگون، نامتوازن و نامتعارف جلوگیری می‌کند. این موضوع از این نظر حائز اهمیت است که در سالهای اخیر تلاشهای گسترده‌ای در محافل دانشگاهی و غیر دانشگاهی داخلی و خارجی صورت گرفته است تا با تأکید غیر واقعی و نادرست بر اولویت شیوه زندگی کوچ‌گری در دوران مس سنگی ایران آن را فاقد هر گونه پیشرفت فنی قلمداد کنند. از این نظر، این موضوع را در فصل چهارم مورد توجه قرار داده و تلاش کرده‌ایم شاخصهای اصلی دوران مس سنگی را با استفاده از داده‌های بی‌غرض باستان‌شناختی تبیین کنیم. شایان ذکر است که دوران مس سنگی و شاخصهای آن در گستره جغرافیایی فلات ایران در هیچ زمانی و به هیچ زبانی به صورت فراگیر و منسجم مطالعه نشده، گرچه به صورت موردی به بقایای این دوران در محوطه‌های مختلف اشاره شده است.

از جمله مشکلات فرارو در تألیف این کتاب این بود که به دلیل تناقض‌گریزناپذیر میان داده‌های به دست آمده از مناطق گوناگون فلات ایران، پیوند میان این داده‌ها دشوار بود که به نظر نگارنده، این تناقضها ناشی از گوناگونی

چشم‌اندازهای طبیعی فلات ایران و ناهمگونی و عدم برنامه‌ریزی در مطالعات باستان‌شناسی است؛ از جمله می‌توان به تناقضهای گاه‌نگاری (chronology) این دوران اشاره نمود، بنابراین تمام تاریخهای ذکر شده تقریبی و میانگینی از تاریخهای متناقض به دست آمده است. با این وصف، داده‌های موجود اغلب نامتوازن هستند و به همین نسبت هم اطلاعات یک منطقه بیش از منطقه دیگر است. بنابراین، به لحاظ روش‌شناسی مطالعاتی سعی شده است که به جای تمرکز بر جزئیات، روند و اصول کلی فراهم و موارد بحث‌انگیز تعیین شوند.

وظیفه خود می‌دانم از مسئولان و کارکنان محترم سازمان «سمت»، به ویژه از آقایان دکتر سعیدی و رهبر، سپاسگزاری نمایم. از همکاران مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران به ویژه خانم قاضی‌زاده، کتابدار محترم کتابخانه تخصصی مؤسسه، که با گشاده‌رویی منابع و مآخذ لازم را در اختیار مؤلف قرار داد، سپاسگزارم. مسئولیت تعابیر و تفاسیر ارائه‌شده به تمامی به عهده مؤلف کتاب است.

حسن طلایی

بهار ۱۳۹۰

مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران